



درباره فیلم «بدون قرار قبلی» به کارگردانی بهروز شعبانی که می‌توان این روزها آن را بر پرده سینما دید

# بهروز؛ بهتر از دیروز



۱۴۰۱ ۰۴ ۰۲  
 ۸ صفحه ویژه آخر هفته  
 ۲۳ ژوئن ۱۲۰۲۲ ذی القعدة ۱۴۴۳  
 شماره ۳۶۶ روزنامه شهرآرا  
**۵شنبه**

# داستان جیران و ایل قاجار!

## سجاد استگو

ایل قاجار از گروه‌های سیاسی مهم در سده‌های گذشته در ایران است. بیش از صدسال حکومت این خاندان در زمانی که با قدرت گرفتن اروپایی‌ها و روس‌ها همراه بود، باعث آغاز دخالت آن‌ها در امور ایران شد. این ایل یکی از گروه‌هایی بود که پس از حمله مغول همراه با چند ایل دیگر از آسیای میانه به سمت ایران کوچ کرد و بودند و تا ترکیه و قفقاز پیش رفته بودند. تیمور لنگ چندی پس از مغول هادر نبرد آنقره سلطان عثمانی را شکست داد و در برگشت قصد کرد تا قبایل ترکی را که در آناتولی ساکن بودند، با خود به آسیای میانه بازگرداند. اما با وساطت خواجه علی سیاه پوش، جد شاه اسماعیل صفوی، تیمور آن‌ها را آزاد کرد. از همان زمان این قبایل به مذهب شیعه درآمدند و بعد هادر زمان آغاز لشکرکشی‌های شاه اسماعیل صفوی به ایران آمدند و هفت ایل قزلباش را تشکیل دادند. ایل قاجار یکی از این هفت ایل بود. این ایل به مقام‌های بالایی در دستگاه صفوی رسید و در زمان شاه عباس گروهی از آن‌ها برای مقابله با حملات ازبک‌ها و ترکمن‌ها در استرآباد (گرگان) ساکن شدند. نسل شاهان قاجار از همین گروه بوده است. هنگام سقوط اصفهان، فتحعلی خان قاجار، حاکم گرگان، به کمک شاه صفوی آمد، اما شاه سلطان حسین که قصد تسلیم داشت، به او اجازه درگیری با افغان‌ها را نداد. خان قاجار پس از سقوط اصفهان امیر لشکر شاه‌آواره صفوی، تهماسب دوم، شد، اما در مقابل نادر، سردار جدید، جایگاهش را از دست داد و چندی بعد کشته شد و فرزند و جانشینش پس از مرگ نادر وارد جنگ‌های قدرت با دیگر سرداران نادر از جمله کریم خان زند و یازماندگان صفوی شد و جانش رادر این راه از دست داد. خانواده او پس از مرگش زیر نظر کریم خان زند در شیراز زندگی کردند. پس از مرگ کریم خان، یکی از پسران محمد حسن خان از شیراز به شمال ایران فرار کرد؛ کسی که در سال‌های بعد حکومت زندیه را بنا بود و حکومت قاجار را بنیان نهاد، آغامحمدخان قاجار.

## شروع سلطنت آغامحمدخان

آغامحمدخان ریاست ایل قاجار را در دست گرفت و شمال ایران را به کنترل خود درآورد. رقیب اصلی او لطفعلی خان زند، شاه جوان زندیه بود. آغامحمدخان

با کمک نفوذی‌هایش در حکومت زندیه، شیراز را تصرف کرد و در تعقیب شاه زند در کرمان قتل عام عظیمی به راه انداخت. با اسیر و سپس کشته شدن لطفعلی خان، دیگر راه برای تصرف کامل ایران برای خان قاجار باز شده بود. آغامحمدخان سپس با سپاهش به سمت قفقاز لشکر کشید تا حاکمان آن منطقه از جمله حاکم گرجستان را که در اوضاع مشوش پس از مرگ نادر مستقل شده بودند، دوباره مطیع سازد. پس از بازگرداندن قفقاز به خاک ایران، آغامحمدخان در دشت مغان اعلام پادشاهی بر ایران کرد و در تهران، پایتختش، تاج گذاری کرد. شاه قاجار قصد داشت تا سرزمین‌های آسیای میانه را هم دوباره مطیع ایران کند، اما با خبر حمله روس‌ها و شورش در قفقاز، دوباره به سمت قفقاز لشکر کشید. او در یکی از شب‌های اردوی نظامی در قفقاز به دست خدمتکارانش کشته شد.

## فتحعلی شاه وارد می‌شود

قاجارها از دوطایفه اصلی تشکیل می‌شدند، قوانلو و دلو. این دوطایفه سال‌ها برای ریاست ایل قاجار با یکدیگر در ستیز بودند تا اینکه آغامحمدخان از قوانلوها به پادشاهی رسید. پس از آن تصمیم گرفته شد تا مادران ولیعهد از طایفه دلو باشند تا وحدتی میان این دوطایفه ایجاد شود. پس از مرگ آغامحمدخان که به علت عقیم بودن فرزندی نداشت، برادرزاده اش، باباخان، شاه شد. باباخان پس از تاج گذاری نام فتحعلی را انتخاب کرد. دوران حکومت او با تثبیت سلطنت قاجار همراه بود. هر چند با قدرت گرفتن روس‌ها، شاه جدید قفقاز را به کلی با دو جنگ به روس‌ها واگذار کرد. طبق رسم قاجار، ولیعهد به حکومت آذربایجان می‌رسید؛ چنان که در زمان صفویه هرات جایگاه ولیعهد بود. ولیعهد محبوب فتحعلی شاه، عباس میرزا بود که نقش مهمی در جنگ‌های ایران و روس داشت، اما او در مشهد به علت بیماری درگذشت. فتحعلی شاه به دلیل علاقه زیاد به عباس میرزا، به جای پسران دیگر خودش پسر عباس میرزا را به عنوان ولیعهد انتخاب کرد. پس از مرگ فتحعلی شاه، پسران او که جانشینی را حق خود می‌دانستند، دست به شورش زدند. از جمله حسینعلی میرزا فرمانفرما و ظل‌السلطان. ظل‌السلطان پیش از رسیدن ولیعهد از تبریز، نود روز بر تخت شاهی نشست، اما در جنگی نزدیک

تهران شکست خورد و کنار گذاشته شد. با درایت قائم مقام قراقران، محمدشاه به تخت نشست. یکی از اتفاقات مهم دوران حکومت او، جدایی هرات از ایران بود. ولیعهد او، ناصرالدین میرزا، از طایفه قوانلو بود و این خلاف رسمی بود که می‌گفت مادر ولیعهد باید از طایفه دولو باشد. این امر با اعتراض برادران محمدشاه همراه شد. اما شاه قاجار فراتر از ایل قاجار قصد داشت فرزندش عباس میرزا از خدیجه کردستانی را که از قاجار نبود، ولیعهد کند. اما در نهایت منصرف شد و ناصرالدین میرزا از مهد علیا قوانلو ولیعهد باقی ماند.

## مسئله ولیعهد

با مرگ محمدشاه، اوضاع کشور ناآرام شد. ولیعهد در تبریز بود و تهران گروهی قصد داشتند تا عباس میرزا را شاه کنند. اما مهد علیا، مادر ناصرالدین میرزا، زمام امور را در دست گرفت و با برکناری میرزا قاسمی صدراعظم، هوادار عباس میرزا، مقدمات تاج گذاری پسرش را فراهم کرد. عباس میرزا و مادرش خدیجه کردستانی از ترس جانشان به سفارت انگلیس پناه بردند. ناصرالدین میرزا مانند پدرش به کمک امیر کبیر به تهران آمد و تاج گذاری کرد. شاه جدید مانند جدش فتحعلی شاه، حرم سرای بزرگی داشت و همسران و فرزندان فراوان. نخستین همسر او گلین خانم، نواده فتحعلی شاه، بود. گلین خانم نخستین ولیعهد را برای شاه به دنیا آورد، ولی این نوزاد در یازده ماهگی از دنیا رفت. عفت السلطنه نیز پسری برای شاه به دنیا آورد به نام ظل‌السلطان که زنده ماند و بعد ها به حکومت اصفهان رسید، اما به علت اینکه مادرش قاجار نبود، شانس برای ولیعهدی نداشت. تاج الدوله، دیگر همسر شاه که نوه فتحعلی شاه بود، فرزندی به نام سلطان معین‌الدین میرزا به دنیا آورد که او نیز در کودکی در شب رسیدن خبر فتح هرات درگذشت. دو فرزند جیران، سوگولی شاه، نیز در کودکی درگذشتند. آن‌ها هم به علت اینکه مادرشان قاجار نبود، شانس نداشتند، اما علاقه وافر شاه به جیران امکان وقوع هر چیزی را محتمل می‌کرد. در نهایت مظفرالدین میرزا از شکوه السلطنه، نوه دیگر فتحعلی شاه، ولیعهد شاه شد. اگرچه عمر و سلطنت طولانی ناصرالدین شاه چنان بود که مظفرالدین زمانی که پیر و افتاده شده بود، به سلطنت رسید.

## پایان قاجار

دو دهه مان قاجار پس از آنکه مشروطیت در زمان مظفرالدین شاه به رسمیت شناخته شد، روبه زوال می‌رفت. شاه پیر چندی پس از امضای فرمان مشروطیت درگذشت و فرزندش محمدعلی شاه از در مخالفت با مشروطیت درآمد. به توب بستن مجلس، تیر آخر به سلطنت محمدعلی شاه بود و پس از آن با شورش مشروطه خواهان مجبور به فرار به روسیه شد. مشروطه خواهان قصد داشتند قاجار را پس از آن منقرض کنند و شخصی جدید را پادشاهی برگزینند، اما از ترس بی‌نظمی‌ها و همچنین دخالت روس‌ها که طبق عهدنامه ترکمنچای که فرزندان عباس میرزا را به عنوان شاه می‌شناختند، منصرف شدند و فرزند دوازده ساله شاه مخلوع به نام احمد میرزا به سلطنت رسید. به علت سن کم شاه، بزرگ ایل قاجار به نام عضدالملک به عنوان نایب السلطنه انتخاب شد. پس از اونیز ناصرالملک به این عنوان رسید. با رسیدن احمدشاه به سن پادشاهی، جنگ جهانی اول آغاز شد و شروع قحطی و ناامنی در کشور را برای کودتای رضاخان و سیدضیاءفرهم کرد و پس از چندی نیز بارای شورای ملی، احمدشاه خلع و سلطنت قاجار منقرض اعلام شد. احمدشاه به خارج از ایران رفت. در حالی که مجلس مؤسسان رضاخان را به عنوان شاه جدید انتخاب می‌کرد. آخرین شاه قاجار در سال ۱۳۰۸ شمسی در پاریس درگذشت و در کربلا دفن شد.



# تاریخ

قرابت شناسی

این جدول موضوعی یک بازی من درآوردی است! جدولی که به جای سؤال و جواب به شما دو کلمه می‌دهد تا شما با پیدا کردن قرابت بین این دو کلمه پاسخ را پیدا کنید. شاید در نگاه اول کار سخت باشد، اما با توجه به موضوع داشتن و البته مشخص بودن تعداد حرف‌های پاسخ سوالات، کار شما کمی راحت خواهد بود. در هر جدول یک مورد به صورت نمونه حل شده است تا کمی بیشتر با روند کار آشنا شوید. حالا وقتش رسیده است تا اطلاعات تخصصی‌تان در موضوعات مختلف را محک جدی‌تری بزنید.

ر	ا	ک	ممنوعه	خودسوزی
			ازدهای زرد	کار تاژ
			مقول	
			جبر	
			سزار	
			قزلباش	
			نیل	
			لینکلن	
روم				
فیل				
عراق				
کودتا				
دریای سرخ				
جعفر بن ابی طالب				
آهن				
پروس				
نیروی دریایی				
جنگ جهانی دوم				

این جدول را هم طبق دستورالعمل جدول قربان شناسی صفحه تاریخ حل کنید.



									تبریز
									گرگ های سرخ
									پرتغال
									استقلال
									خواننده
									بارسلونا
									وحید شمسایی
									علی دایی
									سیتی
									یونایتد

### هیچ برنده ای در کار نیست!

**اول-** اگر پرسپولیس، استقلال، سپاهانی یا طرف دار هر تیمی هستید، از اینکه مدیرعامل باشگاهتان توانسته است شاه ماهی نقل و انتقالات را بخرد یا مانع از رفتن بازیکنی بشود که قراردادش تمام شده است، زیاد دچار تلاطم حسی و شور قهرمان سازی نشوید. به یک دلیل ساده، ما در بخش بزرگی از بدنه فوتبالمان تیم خصوصی نداریم. بیشتر فوتبال ما با وجود شعار خصوصی سازی به نوعی به پول بیت المال وصل است. اگر مثلاً فلورنتینو پرز، مدیرعامل رئال مادرید، برای تیمش بازیکنی را ارزان ترمی خرید یا در رقابت با مدعیان دیگر بازیکنی را به مادرید می کشد و رئالی ها خوش حال می شوند، ریشه در مدیریت خوب هزینه و درآمد و قدرت لابیگری مدیرعامل قوی دارد که به نفع آینده باشگاه است. نه مثل فوتبال ایران که نفس آوردن بازیکن مهم است، چون اصولاً قیمت محلی از اعراب ندارد و همه سر یک سفره نشستیم و جیب پرسپولیس و استقلال و... یکی است.

**دوم-** دنبال شفافیت باشیم. نتیجه موضوع اولی که در این مطلب به آن اشاره شد، بی نظمی پولی در باشگاه های فوتبال است. مدیران عامل یکی دوساله و کوتاه مدت، برای به جا گذاشتن نام نیک و به دست آوردن شهرت، بدون توجه به تراز مالی چندین ساله باشگاه و فقط برای ارتقای برند خود، منابع مالی را نه در راستای اقتصاد عمومی باشگاه، که در جهت دیپلماسی عمومی راضی نگه داشتن هوادار به کار می گیرند. به همین دلیل است که یک سال یک تیم بازار را درو می کند و به هیچ کس امان نمی دهد، اما سال بعد همان تیم توان پرداخت دستمزد ماساژور را هم ندارد. یادمان نرود که تلاش برای مثبت نگاه داشتن تراز مالی باشگاه باعث می شود که تیمی مثل بارسلونا قرارداد مسی را تمدید نکند. اما مدیر موقتی باشگاه ایرانی که بعدها قرار نیست مؤاخذه شود، تا می تواند در مدت کوتاه مدیریتش خرج می کند؛ بی توجه به اینکه دو سال بعد مدیر بعدی با چه بدختی و از کجا باید تاوان این خریدهای بی حساب را بپردازد.

**سوم-** وقتی هیچ چیز حرفه ای نیست، دنبال حرفه ای بودن در نقل و انتقالات نباشیم. سومین نکته در ادامه دو موضوع اول خطاب به ما طرف داران فوتبال است. وقتی پرسپولیس با پنج قهرمانی پیاپی لیگ ایران و دو فینال آسیا هنوز مشکل مالی دارد، یعنی این فوتبال آن قدر غیر حرفه ای است که ساز و کار پول درآوردن برای موفق ترین و پرافتخارترین تیم لیگ هم قفل است. وقتی استقلال یا تراکتور با این همه طرف دار در فراهم کردن مخارج روزمره شان مشکل دارند، یعنی با صدای بلند اعلام می شود که بلد نیستیم از فروش پیراهن و لوازم جانبی با برنده باشگاه تا بستن قرارداد درست با اسپانسر و به خدمت گرفتن تیم تبلیغاتی مؤثر درآمدزایی کنیم؛ یعنی ما نمی توانیم حق پخش داشته باشیم؛ یعنی از این همه امکان نرم افزاری جدید

توان پول درآوردن نداریم؛ یعنی نه کسی پاسخگوست

و نه قرار است که در آینده دور یا نزدیک کسی

پاسخگو باشد؛ چه به هوادار و چه به مسئولان

بالادستی. همه این ها یعنی: مردم! از ما

انتظار نداشته باشید و هر چه خریدیم و

هر که را آوردیم، خدا را شکر کنید، اگر مدیر

دیگری بود شاید نمی توانست!

**چهارم-** این نکته باز هم خطاب به خود

ما فوتبال دوستان است. درست است که

حرفه ای بودن در این فوتبال شوخی است، اما

عشق به پیراهن و رگ غیرت و بوسیدن لوگوراهم

قرار نیست باور کنیم! حرفه ای نیستیم، اما

هیچ چیز هم دلی هم نیست. پس چه بهتر

که اصولاً فوتبال را فقط از قاب تلویزیون

و دریچه ورزشگاه ببینیم، نه پس پشت

پدیده هایی مثل نقل و انتقالات و مباحث

مدیریتی و آینده باشگاهمان. اینجا همه چیز

به حراج گذاشته شده است!



### تیم شناسی



### توپ کجاست؟



# غول آخر

علاقه‌ای به‌ترین‌های اضافی و تبلیغاتی نداریم. ولی باید بگوییم که اگر برای جدول زیر از تیتراژ غول آخر استفاده کردیم یک دلیل داشتیم. این جدول با ابعاد عجیب و غریبش بدجور توی چشم می‌زند. برای همه کسانی که عاشق هیجان حل کردن یک جدول بسیار سخت هستند، منتظر باز خورد شما برای ادامه دادن یا ندادن تهیه این جدول هادر ۷شنبه هستیم.

سرزد از افق ...	اثر باستانی مصر شهر مذهبی	از زردها جایز الخطاست	بلوف شب روستا قوچ	پایدار بر سر پیمان ایت	اتمسفر خودروساز فرانسوی	جاذبه گردشگری قیدار
اشعه نت منفی	دقتر حساب موقتی نشانه‌ها	پسوند پراکندن سرود	اعصار ابزار آشپزی	عصار	کلمه استثنا اجسام	کنترل از راه دور رواج دهنده
مقیاس مانند	فرومایه ماده ضد عفونی	قربانگاه حاجیان حیات	خبرگزاری غربی دشمن پنیر	معدده علفخواران توان مالی		
ابریشم ناخالص کامپیوتر	بدر بزرگ فقر	راضی حالا	چرب زبان ستون دین اسلام	فراق آزرده		
قبل از تو، آنگاه، قوم صالح (ع)	پسند اینترنتی ۱۰۰۰۰۰ ارپالی	دیلیم بردمشهور	پرنده نجار استانه	مغز سر جوجه تیغی	فرکانس ماچ	
اهل هنر وساطت	معاضدت ورزش نشانه روی	دارای عیب و عار پایداری	روز تولد پایتخت طبیعت	پر حرفی اتاق جلو باز	واحد سینمایی ریشه	راه کوتاه گودال
واحد بار الکتریکی قدرت	دردن گردنده	دمنده در صورت پهلوانان	پیروان موسی (ع) متقی	مرمر نزدیک شونده	جبله گی	
ناراست دست تازی معکوس	گاز مرداب هم	خالق بهارستان نوعی زرد آلو	افراد اصیل دارو	کاندیدا مایه حیات	برجستگی پشت شتر شایسته	
تکثیر کننده لوح فشرده دهخدا	استراق سمع حرف فاصله	فروغ	نوعی پسته مرغوب تردید	کمیته جهانی ضد دوپینگ		

شیمی کربن فیلمی از دنی بویل		شانه قنات عضو گزش	انس گرفتن علامت جذرگیری	شکیبایی توهین	نقیض آزادی آدمکش	مرز مرد بلندهمت	داد تکیه کلام مومن
	تکیه دادن قصور						
			نژاد من و شما بینش			کارمندسرا یکباره	
گشودن مساله				سگال نامها			
		زنده کننده میوه سالادی				نشاط اور امن هوتب چهارم	
			دایی فرید		شاخه نو مجازات قتل عمد		صوت افسوس فلز سنگین
دختر مازنی				از پسران آدم (ع) تلخ			پایانی پسوند شابهت
	ناشناوا بویایی		همسر یعقوب (ع) سرو کوهی			همگان جمع رسم	
			کاشمر قدیم گوارا		خاک کوزه چهار چوب عکس		
		ارتش ایران کوهمازندان		ظاهر ساختمان کج			بیتوته کردن پایین
			بینی بیخودی				سرگردان مهم تر
حرف همراهی					مجوز حمل کالا پیامبران		
	ریشه پهلوانی در شاهنامه				«لوار» درهم زادگاه فردوسی	حرف تکراری نوبنیاد	
			کشتی ترکی عباد نگاه یهودی				شیره خرما مرغان خانگی
تلفظ فرنگی مریم			دشمنی اب انگلیسی			تشکر ستیزه	همایش درخت انگور
		بخش لباس ورزشگاه فولاد			برادر کوپن مشهور		
چندین سنت		من + شما درخت تسبیح			قانون مغولی سالمند		
	خاک کوزه گری برهنه			قارچ خطکش مهندسی			درد مردن از غصه
			نام دخترانه وطنی			آقای لندنی	
			پیست مخصوص دوومیدانی				



# CODENAMES

کلمات راوی گروه یک: منوکسید کربن / استوا / فوروارد  
کلمات راوی گروه دو: خشک شویی / مسکو / امتیاز

اکسیژن	نجاری	جالباسی	ژاکت	گاز
کوه	پرچم	رنگ	خود نویس	برچسب
کهکشان	استقلال	پریش	ستاره	استرالیا
امتیاز	تاریخ	آجر	موز	شارژر
دروازه	منگنه	پاراالمپیک	درخت	کاور

## رمزگشایی با واژه ها

محمد رضا هاشمی فر

نمی دانیم چقدر اهل بازی فکری یا همان بازی رومیزی هستید. اصلا با حال و هوای این بازی ها که چند سالی می شود به صورت جدی تر وارد تفریحات و دورهمی ها شده است، آشنایی دارید یا نه ولی به هر حال بازی کد نیمز (Codenames) یکی از بهترین ها و البته مشهورترین بازی های رومیزی بازار است. اینکه نحوه بازی و قوانین کد نیمز چگونه است را بگذارید همان زمانی که بازی را خریدید در دفترچه راهنما مطالعه کنید. ولی به صورت کلی این را بگوییم که این بازی هیچ محدودیت تعدادی برای بازی ندارد و بد جور جان می دهد برای دورهمی های پرتعداد که افراد معمولا علاقه های مشترک یا خاطرات زیادی با هم دارند. البته این دو شرطی که گفتیم الزامی نیست و فقط نزدیک بودن ذهن افراد به هم بازی را جذاب تر و پیچیده تر می کند.

در ۷شنبه ما تصمیم گرفتیم تا این بازی را با تغییرات کوچکی در نسخه کاغذی پیاده کنیم. در نسخه اصلی و فیزیکی بازی شما باید تعداد افراد حاضر را به دو گروه مساوی تقسیم کنید، سپس از هر گروه یک نفر را به عنوان راوی انتخاب کنید که به همراه نقشه راهنمای در دست که باید از دیگر بازیکنان زمین پنهان بماند پشت کارت هایی که به صورت تصادفی و در اندازه ۵ در ۵ روی زمین چیده شده است، قرار بگیرد. حالا با توجه به نقشه در دست، راوی هر تیم باید کارت های مربوط به تیم خودش را شناسایی کند و با ارتباط دادن آن ها به هم در ذهنش و بیان فقط و فقط یک کلمه سعی کند هم تیمی های خودش را برای پیدا کردن کارت های مربوط به تیم خود راهنمایی کند. دقت کنید که راوی فقط و فقط یک کلمه و بدون هیچ علامت دادن و اضافه کاری باید بگوید و تمام. حالا هم تیمی ها باید با هم مشورت کنند و تصمیم بگیرند که این کلمه راهنمایی راوی شامل چه تعداد و کدام کلمات روی زمین چیده شده است و انتخاب خود را به ترتیب با دست به راوی تیم خود نشان دهند. این روند زمانی متوقف می شود که اعضای تیم غیر از کارت مشخص شده تیم خود را انتخاب کنند. در این حالت بازی اصطلاحا پاس می خورد و نوبت به تیم حریف داده می شود. اعضای یک تیم به صورت آگاهانه و انتخابی هم می توانند روند پاس دادن را انجام دهند تا به اشتباهی کلمات تیم حریف را انتخاب نکنند و آن ها را بیش نیندازند.

حالا ما در ۷شنبه کلمات راویان دو تیم را نوشتیم و کلمات روی زمین هم مشخص است. شما به عنوان اعضای گروه باید کلمات مربوط به هر تیم را مشخص کنید.

فقط در انتخاب کلمات دقت کنید چون یک کارت به عنوان بمب روی زمین قرار گرفته است که اگر شما دست روی آن بگذارید، کلا بازی را باخته اید.

## نوستان‌های یونیک!

### تکنولوژی‌هایی که نوستان‌ری شدند و در سبک زندگی مان دیگر خبری از آن‌ها نیست

سراج‌الدین شاه‌رودی

زمانی که از تکنولوژی‌یاب به عبارت فارسی از فناوری یاد می‌کنیم، انتظار داریم در باره پدیده جدیدی صحبت شود. وقتی از یک پدیده امروزی که در عصر خودمان وجود دارد صحبت می‌کنیم، انتظار داریم فناوری بر تر و به روزی باشد. اما اگر گفتند تولید فلان تکنولوژی متوقف شد و استفاده از فلان گجت منسوخ شده است، شاید احساس پیری کنیم. چون در زمان حیات خودمان شاهد بودیم که چگونه یک پدیده از فناوری بر تر روز به صند و قچه خاطرات و نوستان‌ری گذر کرده است. اما اشتباه نکنید! سرعت پیشرفت علم و فناوری این روزها یاد شده است و این فناوری‌ها هستند که عمرهای کوتاهی دارند و قدیمی می‌شوند. هفته پیش در اخبار تکنولوژی شنیدیم که مرورگر اینترنت اکسپلورر که به صورت یک مرورگر پیش فرض روی سیستم عامل ویندوز ارائه می‌شد، بازنشسته شد و دیگر روزن جدیدی از آن ارائه نمی‌شود. به همین بهانه به سراغ وسیله‌ها و ابزارهای فیزیکی و مجازی رفتیم که برای دهه‌شصتی‌ها و هفتادی‌ها زمانی اوج تکنولوژی بودند. ولی اکنون منسوخ شده‌اند.

### «آبی» بازنشسته شد

برای جوان‌ها و نوجوان‌هایی که در دهه‌های هفتاد و هشتاد از رایانه به عنوان کنسول بازی استفاده می‌کردند، اینترنت خیلی ضروری نبود. یک کیس سفیدرنگ که به زردی می‌زد و یک مانیتور لامپی و یک کی‌بورد با دکمه‌هایی که بر حسب حروف فارسی رویشان چسبیده بود، کافی بود تا ساعت‌ها سرگرم قارچ خور، ولفنشتاین، هیتمن و... شوند. شاید هنگام نصب ویندوز به آن آیکون «آبی» روی صفحه توجهی هم نمی‌کردند. اما رفته رفته مثلاً با اتوماسیونی شدن دانشگاه‌ها به آن «آبی» رنگ بی‌مصرف نیاز پیدا کردند. با صدای بوق و سوت و خش‌خش مودم دیال‌آپ به شبکه جهانی متصل می‌شدند و چشم می‌دوختند به نوار سبز رنگ پایین اینترنت اکسپلورر که اگر پر می‌شد، سایت بالایی آمد. این فرایند ممکن بود آن قدر طولانی شود که چند بار فرس می‌زدند و کانکت و دیس کانکت می‌شدند. چند سالی گذشت و با نیاز بیشتر به اینترنت، رقیبان اضافه شدند. اپرا، فایرفاکس، کروم و... اما همچنان اینترنت اکسپلورر مثل قرص فوری و صحرایی زمانی که ویندوز هیچ مرورگر اضافه‌ای نداشت، به دادمان می‌رسید. با ارائه ویندوز ۱۰، خود مایکروسافت هم رقیبی برای مرورگر قدیمی ارائه کرد. «edge» نام مرورگر جدید مایکروسافت بود که انصافاً نسخه‌های اولیه آن حتی از اینترنت اکسپلورر بسیار ضعیف‌تر بود. اما به مرور با سرمایه‌گذاری روی این درانه جدید، کهنه مرورگر مایکروسافت هفته پیش وفات کرد و به کار خود پایان داد تا «edge» مرورگر اصلی ویندوز شود.

### فلاپی دیسک‌های کوچولو

حدود چهل سال پیش فلاپی دیسک‌های صد کیلو بایتی بیشترین حجم ذخیره‌سازی اطلاعات را در تاریخ رایانه با خود به یک می‌کشید. آن شوگارت در سال ۱۹۶۷ در آری بی ام آن را اختراع کرد، حلقه‌ای از جنس پلاستیک که وسطش هسته‌ای مغناطیسی داشت. اولین فلاپی دیسک‌ها هشت اینچی بودند که به دیسکت معروف شدند و بعد ها ۵،۲۵ اینچی شدند و در اولین رایانه رومیزی پای سی در سال ۱۹۸۱ از آن استفاده شد. این نوع فلاپی دیسک‌ها ۳۶۰ کیلو بایت بود و بعد ها فلاپی دیسک‌های ۱،۴۴ مگا بایتی در ابعاد ۳،۵ اینچی ساخته شد. بنابراین پس از گذشت سال‌ها، فلاپی از نظر فیزیکی کوچک‌تر شد و حافظه‌اش افزایش یافت است. تا اواخر دهه ۱۹۹۰ محبوب‌ترین وسیله ذخیره‌سازی اطلاعات به شمار می‌رفت. اما با آمدن فلش مموری و سی دی، کم‌کم به سمت مرگ تدریجی پیش رفت. ولی از یاد نبریم که در آن زمان ابزاری کوچک که بتواند ۱/۴۴ مگا بایت اطلاعات را در خود ذخیره کند، بسیار ارزشمند به شمار می‌رفت. در زمان قدیم فلاپی وسیله‌ای مهم و کارراه‌انداز برای انتقال اطلاعات بود و تغییر و سوئیچ از فلاپی به دیسک سی دی اولین بار توسط اپل با سیستم آی مک ۱۹۹۸ محقق شد. در عرض کمتر از چند سال شرکت‌های بزرگ مانند اپل تغییر راهبرد دادند. تا اینکه در سال ۲۰۰۷ بیشتر سازندگان سخت‌افزار اعلام کردند دیگر فلاپی دیسک نمی‌سازند و هم‌اکنون هیچ کاربری حاضر نیست با حافظه‌ای کار کند که نه سرعت دارد و نه حجمی برای انتقال.

### ایموجی خندان یا هومسنجر

تلگرام نبود، واتس‌آپ و اینستا نبود، حتی لاین و وایبر هم نبودند، اما ایموجی‌سنجر بود. پنجره مستطیل شکل در کنار دسک‌تاپ رایانه جوان‌های دهه هفتاد با ایموجی متحرک لبخند خودنمایی می‌کرد. چت‌روم‌های یاهو اولین فضاهای تعاملی مجازی بودند که جوان‌های اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد تجربه کردند. اگر در اواخر دهه ۱۹۹۰ یا اوایل دهه ۲۰۰۰ نوجوان بودید، احتمالاً با «AIM»، «MSN Messenger» و «AOL Instant Messenger» یا شاید «Yahoo Messenger» ساعت‌ها با دوستانتان به گپ‌زدن مشغول می‌شدید. گفت‌وگو از طریق متن چیز جدیدی بود و پیش از این هرگز امکان مکالمه‌های آنلاین وجود نداشت. کمی بعد، «BBM» (BlackBerry Messenger) پیام‌های فوری، صوتی و حتی تماس‌های

ویدئویی را در تلفن همراه ممکن کرد. همچنین چت‌های گروهی، به اشتراک گذاشتن موقعیت مکانی و دیگر موضوع‌هایی که به شکل گسترده‌ای کپی می‌شدند، امکان پذیر شد. به تدریج خدمات جدیدتر و بهتری جایگزین این پیشگامان اولیه پیام‌رسانی شدند. مایکروسافت در سال ۲۰۱۲ اسکایپ را خرید و پایان «MSN» را اعلام کرد. همچنین شرکت «Verizon» ای میل AOL را در سال ۲۰۱۵ از آن خود کرد. سرانجام AIM در سال ۲۰۱۷ قطع و «Yahoo Messenger» هم در سال ۲۰۱۸ تعطیل شد. «BBM» با محبوبیت تلفن‌های «BlackBerry» روبه‌رو شد، هر چند که با تأخیر در سال ۲۰۱۳ برای اندروید و iOS منتشر شد. این پیام‌رسان هنوز هم به عنوان اپلیکیشن‌سازی سازمانی فعالیت می‌کند. اما «BBM» برای استفاده‌های شخصی در ماه می تعطیل شد.

### «وی‌سی‌دی»‌های سنگین

دستگاه‌های وی‌سی‌دی که بیشتر از بزرگ‌ترها، بچه‌های خانه با آن سروکار داشتند نیز به صند و قچه خاطرات پیوستند. وی‌سی‌دی‌های به نسبت بزرگ و سنگین سه دیسک‌سامسونگ که اوج تکنولوژی آن خوردن هم‌زمان سه دیسک بود، پایین میز تلویزیون بیشتر خانه‌ها دیده می‌شد. در آن دستگاه‌ها مدام چند سی‌دی کارتونی یا فیلم‌مرومی می‌شد و خوش افتادن آن سی‌دی‌هایس از چند صد بار تماشا، از آفت‌های آن بود. حالا هم سی‌دی و هم پخش کننده آن تقریباً حیاتی نیاتنی دارند. هستند، اما دیگر کسی به سراغشان نمی‌رود. ما پیش از این با افتخار کلکسیون‌سی‌دی‌ها و دی‌وی‌دی‌های فیلم‌های سینمایی و کارتونی‌هایمان را به دیگران نشان می‌دادیم، اما اکنون به‌طور چشمگیری از تعداد دی‌وی‌دی‌ها در اتاق‌های نشیمن

کم‌شده است. مدت زیادی نمی‌گذرد که افراد پیش از انتخاب فیلم، چند دقیقه‌ای را برای خواندن متن کاورهای دی‌وی‌دی صرف می‌کردند. مردم دی‌وی‌دی‌های فیلم‌های جدید را گراهی می‌کردند و سپس آن را تحویل می‌دادند. در آمریکا این کار از طریق فروشگاه‌های شرکت «Blockbuster» انجام می‌شد، اما آنچه واقعا همه فروشگاه‌های «Blockbuster» دی‌وی‌دی‌ها را به طور کلی از بین برد، ظهور سرویس‌های استریم یا پخش آنلاین بود. این غول دی‌وی‌دی‌های اجراهای در سال ۲۰۱۰ با بسته شدن آخرین فروشگاهش در سال ۲۰۱۴ به سمت ورشکستگی سوق داده شد. دیسک‌های «Blu-Ray» و «UHD» هم نتوانستند جای دی‌وی‌دی‌ها را بگیرند و شکست خوردند. حالا اگر به اینترنت پرسرعت دسترسی داشته باشید، دیگر دلیلی برای خرید دیسک‌های فیزیکی وجود ندارد. بر اساس گزارش مؤسسه «Motion Picture Association» فروش دی‌وی‌دی در پنج سال گذشته بیش از ۵۰ درصد کاهش داشته است و دی‌وی‌دی‌های پلیرها هم در حال ناپدید شدن هستند. اکنون همه کنسول‌های بازی می‌توانند دی‌وی‌دی پخش کنند. بنابراین دیگر نیازی به فضای زیر تلویزیون که برای دی‌وی‌دی‌ها در نظر گرفته شده بود، نیست.



درباره فیلم «بدون قرار قبلی» به کارگردانی بهروز شعبی که می‌توان این روزها آن را بر پرده سینما دید

# بهروز؛ بهتر از دیروز

محمدناصر حق‌خواه

یک فیلم کم‌دی موفق و در چارچوب قواعد اصلی کم‌دی، مسائل مهمی را به بحث گذاشت. مثلاً فیلم موفق‌تری مثل «لیلی با من است» یا «اخراجی‌ها» با وجود کم‌دی بودن از خیلی فیلم‌های مشابهشان که می‌خواستند با زبان ثقیل و پیچیده یا به صورت مستقیم و بدون قصه‌گفتن، چیزی را درباره دفاع مقدس تعریف کنند، مهم‌تر و البته که تأثیرگذارترند. چیزی که بهروز شعبی خوب بلد است، همین قرار گرفتن در چارچوب ژانر است؛ همان اتفاقی که باعث می‌شود او را فرزند سینما بخوانیم. شعبی پس از سال‌ها دستکاری و بازی و نوشتن و ساختن در سینمای داند که پیش از هر چیز باید تماشاچی را با قدرت سینما به دست بیاورد و بعد هر آنچه را می‌خواهد بگوید، به او منتقل کند. مثلاً در «دهلیز» یا «دارکوب» برای پرداختن به دو معضل اجتماعی یعنی قتل و اعتیاد و تبعات آن مثل قصاص یا بخشش و راه‌های نیافتن از اعتیاد، پیش از هر بیانیه اجتماعی دادن، قصه درست و تمیز و سرراست کار خود را تعریف می‌کند و در کنارش آنچه را هم که می‌خواهد به تماشاچی منتقل شود، در نظر دارد. او وقتی هم به تاریخ معاصر ایران می‌پردازد، به جای ردیف کردن ساعت‌ها شعار درباره موضوع‌هایی انتزاعی، اول به صورت عینی و در قالب یک تریلر سیاسی پرهیجان و قصه‌گو قلاب‌جذب را به نگاه تماشاچی می‌اندازد و سپس ضربه‌ای را که باید، چه از نظر حسی و چه از منظر موضوعی و مضمونی، به او می‌زند. اصولاً تا قصه تعریف نکنیم و تماشاچی جذب آنچه می‌گوییم نشود، صحبت از سینمای معناگرا و معنوی هم بی‌فایده است. سینما با تریبون سخنرانی و پند و موعظه فرق دارد و ابتدا باید قواعد آن را رعایت کرد تا او هم به تو و حرف تو احترام بگذارد؛ کاری که تاکنون بهروز شعبی خوب انجام داده و هر وقت با هر درون‌مایه و مضمونی به سراغ سینما رفته، پیش از هر چیز به خود سینما ابراز ارادت کرده است.

قرار گرفته و هم سریال عامه‌پسند و فیلم پرمخاطب داشته است. اما در هیچ کدام از این طیف‌ها قرار نمی‌گیرد. وجه تفاوت او با دیگران در این است که به گفته سینمایی‌ها او فرزند سینماست. یعنی با وجود اعتقادات خاص خودش، با همه افراد در سینما کار می‌کند و به اصطلاح «همه تماس تلفنی او را پاسخ می‌دهند». با همه نوع آدمی در سینما از هر صنف و عقیده‌ای کار کرده و می‌کند و معمولاً در هیچ حاشیه پررنگی نقش فعال و میان‌دار ندارد؛ کم‌مصاحبه می‌کند و محترم و متین درباره هر موضوع صحبت می‌کند؛ خارج از حوزه سینما اظهار نظر عجیبی ندارد، اما در فیلم‌هایش درباره خیلی چیزها بحث می‌کند. او حالا که فیلمی با درون‌مایه مذهبی و درباره اعتقادات ما ایرانی‌ها در تلفیق با حس نوستالژی و وطن‌دوستی ساخته، اصلاً به دام احساسات زدگی و معنازدگی نیفتاده است. درباره این شکل از سینما اولین نکته‌ای که مهم است به آن اشاره کنیم، این است که ما اصولاً چیزی به اسم سینمای معنوی یا معناگرا در صورت بندگی ژانرهای سینمایی نداریم. فیلم‌هایی که به مسائل مهمی مانند دین و بزرگان دین، اعتقادات و اخلاقیات، فلسفه مرگ و زندگی و از این دست مسائل می‌پردازند، هر کدام باید در یک ژانر خاص ساخته شوند که در آن ژانر با حفظ قواعد و قوانین ژانر از یک مسئله خاص هم حرف زده شود. اگر به سینمای خودمان هم نگاه کنیم، فیلم‌های مهم و موفق سینمای ما که به این گونه مسائل می‌پردازند، پیش از هر چیز در ژانر خود موفق ساخته شده‌اند. مثلاً «روز دهم» که درباره وقایع عاشورا است، پیش از هر چیز یک فیلم تاریخی با ایده سفر قهرمان است که در آن ماذره‌ذره با قیام امام حسین (ع) هم‌سو می‌شویم و با مفاهم آن ارتباط می‌گیریم. اما در همین موضوع قیام عاشورا فیلم‌های گوناگونی ساخته شده که هیچ وقت مخاطب درستی پیدا نکرده است؛ چون قصه نمی‌گوید. ژانر آن قدر مهم است که حتی می‌توان با ساخت

فیلم «بدون قرار قبلی» دو هفته‌ای است که در سینماهای سراسر کشور روی پرده رفته است؛ فیلمی که افتتاحیه‌اش ۱۸ خرداد در مشهد مقدس برگزار شد و به همین بهانه جمع زیادی از هنرمندان سینمایی را به مشهد و حرم امام رضا (ع) کشاند. بی‌توضیح اضافه معلوم است که این فیلم به نوعی به امام رضا (ع) ربط دارد. «بدون قرار قبلی» محصول سال ۱۴۰۰ به کارگردانی بهروز شعبی و نویسندگی فرهاد توحیدی و مهدی تراب‌بیگی است که محمود بابایی آن را تهیه کرده است. فیلم‌نامه فیلم سینمایی «بدون قرار قبلی» با الهام از یکی از داستان‌های مصطفی‌مستور، نویسنده و مترجم ایرانی، نوشته شده است. شخصیت اصلی فیلم دختری به نام یاسمن است که پس از سال‌ها و به علت مرگ پدرش به ایران برمی‌گردد. پسر یاسمن مبتلا به اوتیسم است. و همین موضوع نیز این سفر را برای او سخت کرده است. یاسمن پدرش را خوب نمی‌شناخته و از میراثی که برای او باقی گذاشته، حسابی غافل‌گیر و متعجب شده است. اما مهم‌ترین نکاتی که درباره این فیلم وجود دارد، یکی حضور بهروز شعبی در مقام کارگردان است و دیگری نوع ارتباط گرفتن فیلمی با موضوع معنوی و خاص یا مخاطب است که ممکن بود فیلمی شعاری و بی‌خاصیت باشد که فقط حرف مهمی دارد. اما شعبی به خوبی فیلم را از این آسیب‌نجات داده است. کمتر هنرمندی در سینمای ما می‌تواند با بهروز شعبی قیاس کرد. نه از این جهت که شکل هنری که شعبی ارائه می‌دهد، آوانگارد و ساختارشکن یا مورد توجه منتقدان و تماشاچیان حرفه‌ای باشد. او معمولاً فیلم جشنواره‌پسند، مخصوصاً خارجی، نمی‌سازد. از سوی دیگر از این جهت که در به دست آوردن اقبال عمومی و جذب بدنه سینما از هم‌سن و سال‌های هم‌رده‌اش موفق‌تر شده باشد هم برتری خاصی ندارد و رکورد فروش هم در کارنامه‌اش نیست. او البته که هم سیم‌رغ فجر دارد و بارها مورد توجه جشنواره‌ها

